

دکتر ابراهیم مرادی

عضو هیأت علمی گروه باستان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام

## بررسی و تحلیل شهرها و آبادی‌های ناشناخته شهرستان آبدانان در قرون اولیه اسلامی

### چکیده

آبدانان یکی از شهرستان‌های استان ایلام واقع در جنوب شرقی آن است. آثار بسیاری از شهرها و آبادی‌هایی که متعلق به دوره‌ی ساسانیان، اوایل اسلام و سلجوقیان می‌باشد، در بررسی‌های باستان‌شناسی که توسط نگارنده صورت گرفته، مشاهده شده است. اما با وجود وسعت زیاد بعضی از این شهرها و آبادی‌ها، از آنجا که شهرستان آبدانان در مسیر جاده‌ها و راه‌های ارتباطی اصلی قرار نداشته، در منابع تاریخی اشاره‌ای به این شهرها و آبادی‌ها نشده است. هم‌چنین از زمان شکل‌گیری، دوره‌ی آبادانی و علل ویرانی و ترک این محوطه‌ها اطلاعی در دست نیست. از سوی دیگر در بررسی‌های باستان‌شناسی به دلیل تشابه آثار هنری، به ویژه سفال دوره‌ی ساسانی و اوایل اسلام، به اشتباه بعضی از این شهرها و آبادی‌ها را به دوره‌ی ساسانی نسبت داده‌اند در حالی که دقت و بررسی علمی بیشتر در یافته‌های به دست آمده نشان می‌دهد که گرچه ممکن است بعضی از این شهرها و آبادی‌ها در دوره‌ی ساسانی شکل گرفته باشند ولی اوج شکوه و رونق آنها در دوره‌ی اسلامی بوده است و حتی بعضی از آنها در

قرون اولیه‌ی اسلامی تأسیس شده‌اند. این تحقیق در مورد بررسی و شناسایی شهرها و آبادی‌های شهرستان آبدانان در قرون اولیه‌ی اسلامی، زمان شکل‌گیری، دوره‌ی آبادانی و علل ویرانی و ترک این محوطه‌ها با توجه به داده‌های باستان‌شناختی است.

## واژگان کلیدی:

آبدانان، دوره‌ی ساسانی، دوره‌ی اسلامی، سلجوقیان، شهر، شکل‌گیری، آبادانی، ویرانی



## مقدمه

در دوره‌ی ساسانیان شهرها و روستاهای زیادی در ایران ایجاد و آباد گردید و رشد و توسعه‌ی هنر گسترش یافت. در ابتدای استیلای اسلام بر ایران و از بین رفتن حکومت ساسانیان، رشد و توسعه‌ی هنرها و آبادانی شهرها و روستاها به یکباره متوقف گردید. از جمله دلایلی که به این امر سرعت بخشید، می‌توان به از بین رفتن حکومت مرکزی در ایران، مشغول شدن مسلمانان به توسعه‌ی قلمرو جغرافیایی اسلام و سپس روی کار آمدن حکومت‌های کوچک و درگیری این حکومت‌ها با یکدیگر اشاره کرد که مجالی برای توسعه و آبادانی شهرها و حمایت از هنر نداد.

حکومت نوپای اسلامی با اندیشه‌ها و شعارهای جدید، جامعه‌ی طبقاتی دوره‌ی ساسانی را فرو ریخت و حکومت جدیدی بر مبنای برابری و برادری ایجاد کرد. این حکومت در ابتدا تا چند قرن از لحاظ توسعه‌ی علوم و هنر در خاموشی و فطرت به سر برد اما در سده‌های بعدی منجر به ایجاد یک تحول فکری و علمی بزرگ گردید. نتیجه‌ی تحول توسعه‌ی علوم، هنر و معماری و آبادانی شهرها در دوره‌های آل بویه، سامانیان و سلجوقیان است. در این دوره دانشمندان بزرگی از ایران به جهان معرفی شدند، هنر و معماری پیشرفت کرد و شهرهای زیادی آباد گردید.

در واقع دوره‌های اولیه‌ی اسلامی، همانند پل‌ی بوده که هنر و معماری پیش از اسلام را به دوره‌ی اسلامی انتقال داده است. گرچه در سده‌های اولیه اسلامی رشد و توسعه‌ی هنر و آبادی شهرها و روستاها متوقف گردید ولی بعد از آن و همگام با پیشرفت دیگر علوم و هنرها نه تنها شهرها و آبادی‌های قبلی آبادتر گردید بلکه شهرها و آبادی‌های جدیدی شکل گرفت. با کنکاشی اندک در منابع و متون اسلامی که توسط تاریخ‌نویسان و جغرافی‌نویسان مسلمان در سده‌های اولیه‌ی اسلامی به نگارش درآمده می‌توان به عظمت این شهرها و آبادی‌ها و رشد و رونق اقتصادی آنها پی برد. در این منابع به زمان ایجاد و شکل‌گیری بعضی از این شهرها و آبادی‌ها در دوره‌ی ساسانی یا اوایل اسلام اشاره شده است. با این وجود بعضی از این شهرها و آبادی‌ها، مانند محوطه‌های بررسی شده در شهرستان آبدانان، گرچه از اهمیت و وسعت قابل توجهی در زمان آبادی‌شان

برخوردار بوده‌اند ولی از آنجا که در مسیر جاده‌ها و راه‌های ارتباطی اصلی قرار نداشته‌اند در هیچ‌یک از منابع تاریخی مورد اشاره قرار نگرفته‌اند. این در حالی‌ست که در منابع تاریخی و جغرافیایی به توصیف شهرها و آبادی‌هایی در سایر مناطق پرداخته شده که نسبت به محوطه‌های شناسایی شده در شهرستان آبدانان بسیار کوچک‌تر می‌باشند. بررسی و شناسایی محوطه‌های دوره‌ی اسلامی در این منطقه می‌تواند اطلاعات مفیدی از جوامع شهری و روستایی در قرون اولیه اسلامی، نسبت به سایر مناطق همجوار و همچنین نسبت به دوره‌های پیش از اسلام و یا دوره‌های متاخر، در اختیار ما قرار دهد.

### اهداف تحقیق

- ۱- شناسایی آثار شهرها و آبادی‌های قرون اولیه‌ی اسلامی در منطقه‌ی آبدانان
- ۲- بررسی علت یا علل عدم اشاره به این شهرها در منابع تاریخی اسلامی
- ۳- بررسی زمان شکل‌گیری شهرها و آبادی‌های شناسایی شده
- ۴- بررسی علت یا علل ویرانی شهرها و آبادی‌های مذکور در دوره‌ی اسلامی

### فرضیه‌های تحقیق

- ۱- اگرچه در اوایل اسلام، رشد علوم و هنر و توسعه‌ی شهرها در قلمرو ساسانیان متوقف گردید ولی به نظر می‌رسد که پس از مدتی علاوه بر رشد و شکوفایی شهرها و آبادی‌های دوره ساسانی، شهرها و آبادی‌های جدیدی در دوره‌ی اسلامی شکل گرفت.
- ۲- شاید یکی از دلایل اشاره نکردن منابع اسلامی به شهرها و آبادی‌های این منطقه، نبودن راه‌های مواصلاتی مناسب و صعب‌العبور بودن منطقه بوده است.
- ۳- به گمان می‌رسد که تشابه آثار هنری به خصوص سفال دوره‌ی ساسانی با سفال اوایل اسلام باعث شده که در بررسی‌های باستان‌شناسی که تا کنون صورت گرفته است به اشتباه بعضی از این شهرها و آبادی‌ها را، که در اوایل اسلام ایجاد شده‌اند، به دوره‌ی ساسانی نسبت دهند.
- ۴- با توجه به آثار باقی‌مانده و دلایل بسیار دیگر به نظر می‌رسد ویرانی و ترک شهرها و آبادی‌های دوره‌ی اسلامی این منطقه در دو دوره‌ی زمانی متفاوت، یکی در

حدود قرن چهارم هجری و دیگری در اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم هجری اتفاق افتاده است.

۵- شاید علت یا علل ویرانی این آثار علاوه بر پدیده‌های طبیعی مانند زلزله در قرون سوم و چهارم هجری، مربوط به ناآرامی‌های ایران در حدود قرن ششم و هفتم هجری بوده است. این ناآرامی‌ها ناشی از سرنگونی سلسله‌ی مقتدر سلجوقیان، روی کار آمدن حکومت‌های محلی و ضعیف مانند اتابکان لر کوچک، حمله‌ی مغول، از بین رفتن حکومت مرکزی در ایران و فروپاشی خلافت عباسی در جهان اسلام بوده است.

### پیشینه‌ی تحقیق

با توجه به منابع موجود و متون کهن اسلامی، هیچ‌یک از تاریخ‌نویسان و جغرافی‌نویسان مسلمان از شهرستان آبدانان و آثار آن گزارشی نداده‌اند. سفرنامه‌نویسان خارجی نیز که در سده‌های اخیر به ایران مسافرت کرده‌اند از این منطقه بازدید نکرده‌اند. بنابراین اطلاعات موجود در مورد پیشینه‌ی تاریخی این منطقه بسیار محدود می‌باشد.

هم اکنون تنها اطلاعات موجود در مورد آثار باستانی شهرستان آبدانان و پیشینه‌ی تاریخی آن محدود به بررسی‌های باستان‌شناسی می‌باشد که توسط سازمان میراث فرهنگی استان انجام گرفته و یا در حال انجام است. تا کنون چهار فصل بررسی در این منطقه صورت گرفته و آثار بسیار متعددی از دوران نوسنگی تا عصر حاضر مورد شناسایی قرار گرفته است. اولین فصل بررسی و شناسایی این شهرستان توسط آقایان عباس مترجم و یعقوب محمدی فر در سال ۱۳۷۹ هجری شمسی و دومین فصل بررسی و شناسایی توسط یعقوب محمدی فر در سال ۱۳۸۰ هجری شمسی انجام شده است. سومین فصل بررسی با یک وقفه چهار ساله در سال ۱۳۸۴ هجری شمسی توسط نگارنده و چهارمین فصل بررسی در سال ۱۳۸۷ هجری شمسی توسط علی اکبر احمدی صورت پذیرفته است. با این وجود، بررسی و شناسایی این منطقه از طرف سازمان میراث فرهنگی هنوز به پایان نرسیده است و در سال‌های آتی ادامه خواهد یافت.

## یافته‌های تحقیق

استان ایلام با مساحتی حدود ۱۹۰۸۶ کیلومتر مربع از شمال به استان کرمانشاه، از غرب به کشور عراق، از جنوب به استان خوزستان و عراق و از شرق به استان لرستان محدود است و ۴۲۵ کیلومتر مرز مشترک با کشور عراق دارد (تصویر ۱). شهرستان آبدانان یکی از شهرستان‌های استان ایلام می‌باشد که در جنوب شرقی این استان واقع شده است (تصویر ۲).

در بررسی حاضر در مجموع یازده محوطه متعلق به قرون اولیه‌ی اسلامی تا پایان قرن پنجم و ششم هجری در شهرستان آبدانان مورد بررسی و شناسایی قرار گرفته است (تصویر ۳) که در ادامه، وضعیت کلی آنها مورد اشاره قرار می‌گیرد.

### ۱- محوطه‌ی گیزه<sup>۱</sup>

محوطه‌ی گیزه از لحاظ موقعیت جغرافیایی در طول "۸۴' ۷۵" ۰۷۰ و عرض ۳۶' ۵۹' ۹۸٫۷" و ارتفاع ۱۱۸۰ متر از سطح دریا قرار گرفته است. این محوطه در ۱۹ کیلومتری غرب شهر آبدانان قرار دارد و در سال ۱۳۸۷ توسط هیأت بررسی و شناسایی سازمان میراث فرهنگی شناسایی شده است (رک، احمدی، علی اکبر، گزارش فصل چهارم بررسی و شناسایی باستان‌شناسی شهرستان آبدانان، ۶۵).

محوطه‌ی گیزه به طول شرقی- غربی حدود ۲۰۰ متر و عرض شمالی- جنوبی حدود ۱۷۰ متر است. در قسمت شرقی محوطه، آثار یک تونل زیرزمینی به طول حدود ۱۰۰ متر، ارتفاع حدود ۴ متر و عرض حدود ۵ متر وجود دارد که در داخل آن یک چشمه آب جاری است. با توجه به زیرساخت‌های این محوطه که از رسوبات گچی و آهکی تشکیل شده، شاید این تونل به صورت طبیعی ایجاد شده است. سقف این تونل در بعضی از قسمت‌ها فرو ریخته است.

در سطح محوطه، آثار دیوارها، بناها و قلوه‌سنگ‌های زیادی بصورت متراکم و یا پراکنده مشاهده می‌شود (تصویر ۴). این بناها از قلوه‌سنگ و گچ ساخته شده‌اند. گرچه

<sup>۱</sup>.Gijah

از سقف و پوشش بناها هیچ آثاری به جای نمانده ولی با توجه به مصالح موجود، شاید پوشش بناها از طاق بوده است.

بررسی سفال‌های جمع‌آوری شده نشان می‌دهد که این محوطه در دوره‌ی ساسانی و اوایل اسلامی تا پیش از روی کار آمدن سلجوقیان از رونق و آبادانی برخوردار بوده است. در بررسی انجام گرفته، هیچ نوع سفالی متعلق به دوره‌ی سلجوقی در سطح این محوطه شناسایی نگردید. بنابراین این محوطه، شاید پیش از روی کار آمدن سلجوقیان از بین رفته اسفیرانی و ترک این محل تقریباً همزمان با زلزله‌ی سال ۲۵۸ یا ۳۳۴ هجری در شهر باستانی مهرجانقدق یا سیمره در شهرستان امروزی دره‌شهر می‌باشد. این شهرستان در حدود ۲۰ کیلومتری شمال این محوطه به خط هوایی قرار دارد. تاریخ‌نویسان اسلامی علت ویرانی مهرجانقدق را زلزله‌ای می‌دانند که مقدسی تاریخ آن را سال ۲۵۸ هجری و مسعودی سال ۳۳۴ هجری ذکر کرده است (امبرسز، ن.ن. و چ.پ. ملویل، تاریخ زمین‌لرزه‌های ایران، ۱۳۴).

## ۲- محوطه‌ی پشت قلعه‌ی آبدانان<sup>۱</sup>

محوطه‌ی پشت قلعه‌ی آبدانان از لحاظ موقعیت جغرافیایی در طول "۴۸' ۷۲" × ۰.۷۲ و عرض "۹۹.۲' ۴۹" × ۳۶ و ارتفاع ۷۹۰ متر از سطح دریا قرار گرفته است و در جنوب روستای پشت قلعه و غرب روستای جابر انصار و در حدود ۳ کیلومتری جنوب شهر آبدانان قرار دارد که در سال ۱۳۷۹ توسط هیأت بررسی و شناسایی سازمان میراث فرهنگی شناسایی شده است (گزارش فصل اول بررسی و شناسایی باستان‌شناسی شهرستان آبدانان، ۳). این محوطه با شماره‌ی ۷۹۷۴ در فهرست آثار ملی و با شماره‌ی ۸۶۲/۵۰/۳۳۴ ثبت حریم گردیده است. از لحاظ توپوگرافی، این محوطه بر روی یک تپه طبیعی که حدود ۴۵ متر از سطح زمین‌های اطراف ارتفاع دارد، ساخته شده است (تصویر ۵). محوطه‌ی پشت قلعه‌ی آبدانان از دو قسمت شامل قلعه و محوطه‌ی شهری تشکیل شده است. قلعه در رأس تپه و محوطه‌ی شهری در دامنه‌ی تپه، به ویژه دامنه‌ی جنوبی آن، ساخته شده است. آثار

<sup>۱</sup>.Posht Ghale

باقی‌مانده از این قلعه نشان می‌دهد که این منطقه از موقعیت سوق‌الجیشی خاصی برخوردار بوده است. قلعه‌ی مذکور به طول حدود ۱۵۰ متر شرقی- غربی و عرض حدود ۱۰۰ متر شمالی- جنوبی است. دیوار دفاعی قلعه به ضخامت ۱/۲۰ سانتی‌متر می‌باشد و از قلوه‌سنگ و ملات گچ ساخته شده است و در فاصله‌های مختلف در دیوار دفاعی قلعه، برج‌های نیم‌دایره‌ای ساخته شده است. فاصله‌ی این برج‌ها نسبت به همدیگر متفاوت است. در ضلع غربی قلعه یک تونل با شیب تند وجود دارد که تا داخل رودخانه آبدانان، که از سمت غرب تپه در جریان است، ادامه می‌یابد. در داخل این تونل پلکانی جهت سهولت رفت و آمد تعبیه شده است. از این تونل برای تهیه آب قلعه به هنگام محاصره‌ی قلعه استفاده می‌شده است.

در دامنه‌ی جنوبی تپه و بیرون از دیوار دفاعی قلعه، آثار دیوار و بناهایی وجود دارد که نشان می‌دهد یک محوطه‌ی شهری و یا یک آبادی در این قسمت از محوطه قرار داشته است. وجود بعضی از طاق‌های بجای مانده به ویژه در بناهای داخلی قلعه بیانگر آن است که سقف این بناها با طاق پوشیده شده است.

بررسی سفال‌های جمع‌آوری شده نشان می‌دهد که این محوطه در دوره‌ی ساسانی و اوایل دوره‌ی اسلامی مورد سکونت قرار گرفته و از اهمیت و رونق زیادی برخوردار بوده است. آثار فرهنگی موجود حاکی از آن است که این محوطه تقریباً در اواخر دوره‌ی سلجوقیان، بنا به دلایل نامعلومی ترک گردیده است. بنابراین ویرانی و ترک این محل تقریباً همزمان با فروپاشی سلسله سلجوقیان در پایان قرن ششم و حمله‌ی مغولان و سقوط خلفای عباسی در قرن هفتم هجری بوده است. ممکن است این محل بر اثر زلزله سال ۲۵۸ یا ۳۳۴ هجری در شهر باستانی مهرجان‌قدق یا سیمره در شهرستان امروزی دره‌شهر که در حدود ۲۵ کیلومتری شمال این محوطه به خط هوایی می‌باشد دچار خساراتی شده باشد.



### ۳- محوطه‌ی تلور<sup>۱</sup>

محوطه‌ی باستانی تلور از لحاظ موقعیت جغرافیایی در طول "۳۰'۴۰" ۰۷۳ و عرض "۴۸,۰'۵۰" ۳۶ و ارتفاع ۷۹۵ متر از سطح دریا قرار گرفته است. این محوطه در دامنه‌های جنوبی کبیرکوه و در داخل روستای تلور در ۱۳ کیلومتری جنوب شرق شهر آبدانان واقع شده است. محوطه‌ی تلور در سال ۱۳۷۹ توسط هیأت بررسی و شناسایی سازمان میراث فرهنگی شناسایی شده است (رک، گزارش فصل اول بررسی و شناسایی باستان‌شناسی شهرستان آبدانان، ۱۴ و ۱۵).

این محوطه به طول حدود ۲۰۰ متر شرقی-غربی و ۱۰۰ متر شمالی-جنوبی است. از لحاظ توپوگرافی، این محوطه بر روی یک برجستگی طبیعی قرار گرفته که حدود ۸ متر از سطح زمین‌های اطراف بلندتر می‌باشد. در سطح محوطه، آثار دیوارها، بناها و قلوه‌سنگ‌های زیادی بصورت متراکم و یا پراکنده مشاهده می‌شود (تصویر ۶). این بناها از قلوه‌سنگ و گچ ساخته شده‌اند و گمان می‌رود پوشش بناها از طاق بوده است. هیأت بررسی و شناسایی سازمان میراث فرهنگی این محوطه را تنها به دوره‌ی ساسانی نسبت داده است (همان، ۱۵). در حالی که بررسی سفال‌های جمع‌آوری شده نشان می‌دهد که این محوطه در دوره‌ی ساسانی، اوایل دوره‌ی اسلامی و دوره‌ی سلجوقی از رونق و آبادانی برخوردار بوده است.

آثار فرهنگی موجود بیانگر آن است که این محوطه تقریباً در اواخر دوره‌ی سلجوقیان، بنا به دلایل نامعلومی کاملاً ترک گردیده است. ویرانی و ترک این محل همانند محوطه پیشین تقریباً همزمان با فروپاشی سلسله‌ی سلجوقیان در پایان قرن ششم و حمله‌ی مغولان و سقوط خلفای عباسی در قرن هفتم هجری بوده است.

---

<sup>۱</sup>.Telour

#### ۴- شهر جولیان<sup>۱</sup>

شهر باستانی جولیان از لحاظ موقعیت جغرافیایی در طول "۸۶' ۷۶' ۰۷۳" عرض و "۳۷,۷' ۴۸' ۳۶" ارتفاع ۷۹۲ متر از سطح دریا قرار گرفته است. و در دامنه‌های جنوبی کبیرکوه و در ۱۷ کیلومتری جنوب شرق شهر آبدانان واقع شده که در سال ۱۳۷۹ توسط هیأت بررسی و شناسایی سازمان میراث فرهنگی شناسایی شده است (رک، گزارش فصل اول بررسی و شناسایی باستان‌شناسی شهرستان آبدانان، ۱۸ و ۱۹).

محوطه‌ی مذکور از دو قسمت، قلعه و شهر تشکیل شده است. قلعه‌ی جولیان در حدود ۱۰۰ متری شمال شهر جولیان و بر روی یک تپه‌ی طبیعی که حدود ۴۰ متر بالاتر از سطح شهر جولیان و زمین‌های اطراف قرار دارد واقع شده است. این تپه در قسمت شرق، غرب و جنوب دارای شیب تند ولی در قسمت شمال متصل به دامنه‌های کبیرکوه می‌باشد. در سطح این تپه آثار قلعه‌ای به طول حدود ۷۰ متر شمالی- جنوبی و عرض حدود ۳۰ متر شرقی- غربی به صورت بیضوی شکل مشاهده می‌شود. در داخل قلعه اثر هیچ نوع بنایی مشاهده نمی‌شود. ظاهراً این قلعه کاملاً جنبه دفاعی داشته و ساکنان شهر به هنگام هجوم دشمن در داخل این قلعه پناه می‌گرفته‌اند.

در دامنه‌ی جنوبی این تپه، که قلعه بر روی آن قرار گرفته است، شهر باستانی جولیان به طول حدود ۴۰۰ متر شرقی- غربی و عرض حدود ۳۰۰ متر شمالی- جنوبی واقع شده است. آثار دیوارها و بناهای ویران شده در سطح این محوطه کاملاً مشخص می‌باشد. سقف بعضی از اتاق‌ها که با طاق پوشیده شده است، کاملاً در زیر آوار قرار گرفته که قسمت‌هایی از آنها هنوز مشخص می‌باشد. استفاده از طاق و طاقچه در بعضی از بناها نشان می‌دهد که سقف این بناها با طاق و گمان می‌رود در بعضی از موارد مانند چهارطاقی به جای مانده یا گنبد پوشیده شده است (تصویر ۷).

هیأت بررسی و شناسایی سازمان میراث فرهنگی این محوطه را به دوره‌ی ساسانی نسبت داده است (همان، ۱۹). در حالی که بررسی سفال‌های جمع‌آوری شده نشان می‌دهد که سکونت در این محوطه از دوره‌ی ساسانی شروع و در اوایل دوره‌ی اسلامی و در دوره‌ی سلجوقی ادامه داشته و از اهمیت و رونق زیادی برخوردار بوده است.

<sup>۱</sup>Joulian

گمان می‌رود این قلعه، در اوایل قرن پنجم هجری قمری ساخته شده است، زیرا منابع تاریخی بیانگر وجود نا آرامی و نا امنی در مغرب و مرکز ایران در اوایل قرن پنجم هجری قمری می‌باشد. این درگیوهی عمدتاً میان غزنویان، آل بویه، کاکویان و روسای اکراد محلی بوده است. بر اساس منابع تاریخی همین نا امنی‌ها سبب برآوردن حصار پیرامون شهرها در نقاط مختلف ایران به ویژه بخش‌های غربی و مرکزی گردیده است (بویل، جی.آ.، تاریخ ایران کیمبریج، از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلخانان، ترجمه‌ی حسن انوشه، ۴۷).

آثار فرهنگی موجود حاکی از آن است که این محوطه تقریباً در اواخر دوره‌ی سلجوقیان، بنا به دلایل نامعلومی، ترک گردیده و ویرانی و ترک این محل تقریباً همزمان با فروپاشی سلسله سلجوقیان در پایان قرن ششم و حمله مغولان و سقوط خلفای عباسی در قرن هفتم هجری بوده است.

#### ۵- محوطه‌ی سنگر سراب باغ<sup>۱</sup>

محوطه‌ی سنگر سراب باغ از لحاظ موقعیت جغرافیایی در طول "۱۴' ۶۸" و عرض "۱۷,۹' ۴۲' ۳۶" و ارتفاع ۸۰۰ متر از سطح دریا قرار گرفته و در ضلع جنوبی روستای سراب باغ و در ۲۲ کیلومتری جنوب شرق شهر آبدانان واقع شده که در سال ۱۳۷۹ توسط هیات بررسی و شناسایی سازمان میراث فرهنگی شناسایی شده است (رک، گزارش فصل اول بررسی و شناسایی باستان‌شناسی شهرستان آبدانان، ۲۴ و ۲۵).

محوطه‌ی سنگر سراب باغ به طول شرقی- غربی ۵۰۰ متر و عرض شمالی- جنوبی تقریباً ۴۰۰ متر می‌باشد. در سطح محوطه، قلوه‌سنگ‌های زیادی هم به صورت متراکم و هم به صورت پراکنده مشاهده می‌شود. در بعضی از قسمت‌ها نیز آثاری از پی بناها مشاهده می‌شود. بیشتر آثار این محوطه به علت تسطیح اراضی توسط کشاورزان از بین رفته است. آثار موجود نشان می‌دهد که بناهای این محوطه از قلوه‌سنگ و گچ ساخته شده‌اند.

در حدود ۲۰۰ متری شمال این محوطه آثاری از یک بنا با حیاط مرکزی مشاهده می‌شود (تصویر ۸) محوطه در محل به نام کَل کَل<sup>۲</sup> به معنی دیوارهای فرو ریخته

<sup>۱</sup>.Sangar-e Sarab-e Bagh

<sup>۲</sup>.Kal Kal

مشهور است قسمت‌های شمالی این محوطه به علت توسعه‌ی روستا و توجه نداشتن مسؤولان توسط روستاییان کاملاً تخریب گردیده است. پلان این بنا بسیار شبیه به پلان یک کاروانسرا می‌باشد ولی تا زمانی که مطالعات علمی و کاوش‌های باستان‌شناسی در این مکان صورت نگیرد نمی‌توان در مورد کارکرد واقعی آن اظهار نظر کرد. هیأت بررسی و شناسایی سازمان میراث فرهنگی این محوطه را همانند سایر محوطه‌های پیشین تنها به دوره‌ی ساسانی نسبت داده است (همان، ۲۵). در حالی که بررسی سفال‌های جمع‌آوری شده سنگر سراب باغ نشان می‌دهد که این محوطه در دوره‌ی ساسانی، اوایل دوره‌ی اسلامی و همچنین دوره‌ی سلجوقی آباد بوده و از اهمیت و رونق زیادی برخوردار بوده است. آثار فرهنگی موجود بیانگر آن است که این محوطه، تقریباً در اواخر دوره‌ی سلجوقیان، بنا به دلایل نامعلومی ترک گردیده و سرنوشتی همانند دیگر محوطه‌های اطراف داشته است.

## ۶- محوطه‌ی سراب نقل<sup>۱</sup>

محوطه‌ی سراب نقل از لحاظ موقعیت جغرافیایی در طول "۷۱' ۸۳' ۰۷۵" و عرض "۳۶' ۳۶' ۳۶,۷" و ارتفاع ۷۰۹ متر از سطح دریا قرار گرفته و داخل روستایی به همین نام در ۴۴ کیلومتری جنوب شرق شهر آبدانان واقع شده که در سال ۱۳۷۹ توسط هیأت بررسی و شناسایی سازمان میراث فرهنگی شناسایی شده است (رک، گزارش فصل اول بررسی و شناسایی باستان‌شناسی شهرستان آبدانان، ۲۶).

این محوطه به طول شمالی- جنوبی ۲۰۰ متر و عرض شرقی- غربی حدود ۱۰۰ متر می‌باشد. در سطح محوطه، آثار دیوارها، بناها، طاق‌ها و طاقچه‌های زیادی مشاهده می‌شود (تصویر ۹). گرچه دیوار و طاق بسیاری از بناها فرو ریخته ولی با این وجود ساختار و پلان بناها سالم باقی مانده است و با اندکی بررسی و حفاری قابل بازسازی می‌باشد. مصالح این بناها از قلوه‌سنگ و گچ تشکیل شده است.

<sup>۱</sup>.Sarab-e Noghl

حدود ۲۰۰ متری شمال شرقی این محوطه یک بنای مستحکم و نسبتاً سالم وجود دارد. دیوارها و طاق‌های این بنا هنوز برجا می‌باشد. این بنا، مربع شکل و به ابعاد آن تقریباً ۱۵ × ۱۵ متر است. به نظر می‌رسد که این بنا یک خانه اربابی است که با محوطه سراب نقل در ارتباط می‌باشد.

هیأت بررسی و شناسایی سازمان میراث فرهنگی این محوطه را به دوره‌ی ساسانی، اوایل اسلام تا قرن چهارم و پنجم هجری نسبت داده است (همان‌جا). بررسی سفال‌های جمع‌آوری شده نظر این هیأت را مورد تأیید قرار می‌دهد. آثار فرهنگی موجود بیانگر آن است که این مکان، تقریباً در اواخر دوره‌ی سلجوقیان، بنا به دلایل نامعلومی، ترک گردیده و سرنوشتی همانند دیگر مکان‌های اطراف داشته است.

#### ۷- محوطه‌ی شهر پنج برار<sup>۱</sup>

محوطه‌ی شهر پنج برار از لحاظ موقعیت جغرافیایی در طول ۲۳' ۰۶" و عرض ۳۹,۸' ۲۹" ۳۶ و ارتفاع ۵۷۱ متر از سطح دریا قرار گرفته است. شهر در ۴۵ کیلومتری جنوب شرقی آبدانان و در پنج کیلومتری شمال شهر مورموری و در دامنه‌ی جنوبی کوه کاسه ماست واقع شده که در سال ۱۳۸۰ توسط هیأت بررسی و شناسایی سازمان میراث فرهنگی، به صورت سه بخش جداگانه شامل قلعه‌ی پنج برار، شهر پنج برار و کاروانسرای پنج برار شناسایی شده است (رک، محمدی فر، یعقوب، گزارش فصل دوم بررسی و شناسایی باستان‌شناسی شهرستان آبدانان، ۱۸-۱۴).

محوطه‌ی پنج برار، یکی از بزرگ‌ترین محوطه‌های شهری در قرون اولیه‌ی اسلامی در این منطقه می‌باشد. این محوطه، به طول شرقی- غربی حدود ۸۰۰ متر و عرض شمالی- جنوبی حدود ۴۰۰ متر است. سرچشمه‌ی رودخانه پنج برار (که از دامنه‌ی کوه کاسه ماست به طرف جنوب و جنوب شرق جریان دارد) در فاصله‌ی ۲۰۰ متری شمال این محوطه قرار دارد. پنج برار از قسمت‌های مختلف مانند قلعه، آسیاب، محوطه‌ی شهری و کاروانسرا تشکیل یافته است. قلعه این شهر بر روی یک تپه طبیعی قرار دارد

<sup>۱</sup>.Panj Berar

که دارای پلان مستطیل شکل به طول شمالی- جنوبی حدود ۶۰ متر و عرض شرقی- غربی حدود ۵۰ متر است. در چهار گوشه قلعه، چهار برج دایره‌ای قرار دارد. از ارتفاع دیوارهای قلعه در این قسمت حداکثر حدود ۱/۵ متر باقی مانده است (تصویر ۱۰). مصالح به کار رفته در دیوارهای قلعه همانند سایر قسمت‌های شهر از سنگ و ملات گچ می‌باشد. کاروانسرای پنج برار در غرب شهر پنج برار واقع شده که به طول ۵۵ متر و عرض ۲۲/۵ متر می‌باشد.

شهر پنج برار در دو سوی رودخانه پنج برار قرار دارد. قسمتی از شهر که در سمت شرق رودخانه پنج برار واقع شده در جنوب قلعه قرار گرفته و قسمت غربی در دامنه‌ی کوه کاسه ماست واقع شده است. بیشتر دیوارها و بناهای این شهر فرو ریخته ولی آثار آن همچنان برجا می‌باشد.

هیأت بررسی و شناسایی سازمان میراث فرهنگی این محوطه را به دوره‌ی ساسانی و اوایل اسلام نسبت داده است (همان‌جا). با این وجود بررسی سفال‌های جمع‌آوری شده علاوه بر تأیید این هیأت، نشان می‌دهد که این محوطه در دوره‌ی سلجوقی نیز محل سکونت بوده و از اهمیت و رونق زیادی برخوردار بوده است. آثار فرهنگی موجود حاکی از آن است که این محوطه نیز همانند سایر محوطه‌های اطراف تقریباً در اواخر دوره‌ی سلجوقیان، بنا به دلایل نامعلومی، ترک گردیده است.

## ۸- محوطه‌ی کلک گچ زاغ<sup>۱</sup>

محوطه‌ی باستانی کلک گچ زاغ از لحاظ موقعیت جغرافیایی در عرض ۲۲' ۳۶" و طول جغرافیایی ۱۸' ۳۷" ۰۷۴ و ارتفاع ۵۹۴ متر از سطح دریا قرار گرفته و در حدود ۷ کیلومتری غرب شهرک مورموری از توابع شهرستان آبدانان و در فاصله حدود یک کیلومتری سمت راست جاده آسفالته مورموری به دهلران واقع شده که در سال ۱۳۸۴ توسط هیأت بررسی و شناسایی سازمان میراث فرهنگی شناسایی شده است (رک، مرادی، ابراهیم، گزارش فصل سوم بررسی و شناسایی باستان‌شناسی شهرستان آبدانان، بخش مورموری، ۱۳۲-۱۳۰).

<sup>۱</sup>.Kalek-e Gach-e Zagh

از لحاظ توپوگرافی محوطه مذکور در بین درجستگی نسبتاً بزرگ گچی قرار گرفته است. محوطه‌ی کلک گچ زاغ از لحاظ ابعاد به طول شرقی- غربی ۲۱۰ متر و عرض شمالی- جنوبی ۱۰۰ متر است.

در مرکز این محوطه و از جانب شرق به غرب یک آبراهه وجود دارد که در انتهای آن یعنی در قسمت غرب و خارج از محدوده محوطه مذکور یک چشمه آب دائمی کوچک قرار گرفته که آب آن نسبتاً شور است. تنها منبع آب نزدیک به این محوطه، چشمه‌ی مذکور بلشید که با وجود شوری، ظاهراً آب شرب این محوطه را فراهم می‌کرده است. در سطح محوطه، آثار قلوه سنگ‌های متراکم، پی‌های پوشیده در خاک و دیوارهای فرو ریخته مشاهده می‌شود (تصویر ۱۱). تمامی دیوارها و خانه‌ها با استفاده از قلوه سنگ و گچ ساخته شده‌اند که بیشتر آن‌ها به علت ویرانی و گذشت زمان در زیر آوار قرار گرفته‌اند و تنها قسمت‌هایی از آنها بالاتر از سطح زمین قرار گرفته است. از ابعاد و اندازه خانه‌ها و همچنین تعداد اتاق‌هایی که یک خانه را تشکیل می‌دهند به علت تراکم آوار ساختمانی اطلاع چندانی به دست نیامد. به علت فرسایش آثار موجود نیز از نوع پوشش بناها اطلاعی در دست نیست ولی نوع مصالح و ملات مورد استفاده و همچنین ابعاد بزرگ اتاق‌ها نشان می‌دهد که پوشش این بناها از نوع طاق و با استفاده از قلوه سنگ و گچ صورت گرفته است. استفاده از این مصالح برای ساخت بناها طبیعی به نظر می‌رسد زیرا این مصالح در محل به وفور یافت می‌شوند.

بررسی سفال‌های جمع‌آوری شده نشان می‌دهد که این محوطه در دوره‌ی ساسانی و اوایل اسلامی و همچنین در دوره‌ی سلجوقیان از رونق و آبادانی برخوردار بوده است. هیچ نوع آثار فرهنگی پیش از دوره ساسانی و همچنین بعد از دوره سلجوقی در سطح محوطه‌ی مذکور شناسایی نگردید و ویرانی و ترک این محل تقریباً مشابه سایر محوطه‌های اطراف می‌باشد.

## ۹- محوطه گردال دالپری<sup>۱</sup>

محوطه‌ی باستانی گردال دالپری از لحاظ موقعیت جغرافیایی در عرض ۱۸' ۳۶" و طول جغرافیایی "۴۴' ۹۲' ۰۷۳" و ارتفاع ۲۷۶ متر از سطح دریا قرار گرفته و در حدود ۱۵ کیلومتری جنوب غرب شهرک مورموری و در ۵۰ متری سمت راست جاده آسفالته مورموری به دهلران واقع شده که در سال ۱۳۸۴ توسط هیأت بررسی و شناسایی سازمان میراث فرهنگی شناسایی شده است (رک، همو، همان، ۱۲۳-۱۲۱).

محوطه‌ی گردال دالپری یک محوطه‌ی شهری نسبتاً بزرگ به ابعاد تقریبی ۴۵۰×۴۵۰ متر و در حدود بیست هکتار است. زمین‌های اطراف محوطه و قسمت‌هایی از سطح محوطه، توسط کشاورزان به کشت دیم اختصاص یافته است. همچنین قسمت‌هایی از سطح محوطه، در زمان جنگ تحمیلی توسط بیل‌های مکانیکی جهت سنگ‌سازی و یا ایجاد خاکریز تخریب گردیده است. در سطح محوطه آثار قلوه - سنگ‌های مترکم، پی‌های پوشیده در خاک و دیوارهای فرو ریخته مشاهده می‌شود. تمامی دیوارها و خانه‌ها با استفاده از قلوه سنگ و گچ ساخته شده‌اند (تصویر ۱۲). آثار به جای مانده نشان می‌دهد که این محوطه در زمان آبادانی شهری پر رونق و با شکوه بوده است. قسمت بزرگی از آثار شهر به علت ویرانی و گذشت زمان در زیر آوار واقع شده با این وجود قسمت‌هایی از دیوار بناها بالاتر از سطح زمین قرار گرفته است. ضخامت دیوارها متفاوت و از ۵۰ سانتیمتر تا ۱/۲۰ سانتیمتر است و ضخامت زیاد بعضی از دیوارها نشان از اهمیت این بناها دارد. از ابعاد خانه‌ها و بناهای به جای مانده به علت ویرانی اطلاع چندانی به دست نیامد. ولی آثار موجود نشان می‌دهد که با حفاری‌های جزئی می‌توان از ابعاد و اندازه خانه‌ها و همچنین نحوه بافت شهری و کوچه‌ها و محله‌های این شهر آگاهی یافت. به علت ویرانی محوطه، از نوع پوشش بناها اطلاعی به دست نیامد ولی نوع مصالح و ملات مورد استفاده و همچنین ابعاد بزرگ اتاق‌ها نشان می‌دهد که پوشش این بناها از نوع طاق و با استفاده از قلوه سنگ و گچ صورت گرفته است.

<sup>۱</sup>. Garr-e Dal-e Dalpari



بررسی سفال‌های گردآوری شده نشان می‌دهد که این محوطه در دوره‌ی ساسانی و اوایل اسلام تا اواخر دوره‌ی سلجوقی از اهمیت و رونق زیادی برخوردار بوده است. آثار فرهنگی موجود بیانگر آن است که این محوطه‌ی تقریباً از اواخر قرن ششم هجری قمری و همزمان با پایان حکومت سلجوقیان، اهمیت خود را از دست داده و متروک شده است.

با وجود این که محوطه‌ی گردال دالپری از اهمیت و وسعت زیادی برخوردار بوده در منابع تاریخی هیچ اشاره‌ای به این شهر نشده اما در بعضی منابع به وجود شهری کردنشین به نام سنجار در نزدیکی این محل اشاره شده است. بر اساس اعتقاد برخی، شهر سنجار در جنوب سلسله‌ی جبال حمرین قرار داشته است (قرچانلو، حسین، جغرافیای تاریخی کشورهای اسلامی (۱)، ۲۹۸ و ۲۹۹).

اگر اطلاعات این منابع درست باشد، شهر سنجار در کشور عراق و در حدود ۴۰ کیلومتری جنوب این محوطه به خط مستقیم است. زیرا سلسله جبال حمرین در حد فاصل مرز ایران و عراق قرار دارد. اطلاعاتی که منابع تاریخی در مورد شهر سنجار ارایه داده تقریباً مشابه با آثار موجود از محوطه‌ی گردال دالپری می‌باشد. با توجه به این که در حال حاضر اطلاعات موجود از وجود چنین شهری در جنوب سلسله‌ی جبال حمرین و در کشور عراق که عرب زبان هستند، بسیار اندک است. بنابراین می‌بایستی در مورد انتساب این شهر به کشور عراق و یا محوطه‌ی گردال دالپری در آبدانان با احتیاط سخن گفت.

## ۱۰- محوطه‌ی ورکمری گر حاجی<sup>۱</sup>

محوطه‌ی باستانی ورکمری گر حاجی از لحاظ موقعیت جغرافیایی در عرض ۱۸' ۳۶" و ۷۷,۰" و طول جغرافیایی ۳۶' ۰۰" ۰۷۸ و ارتفاع ۲۶۲ متر از سطح دریا قرار دارد. این محوطه در فاصله‌ی حدود ۵/۵ کیلومتری شرق روستای درگاه علی (علی آباد) از توابع دهستان هلیوه و در حدود ۸۰ کیلومتری جنوب شرق شهرستان آبدانان واقع شده که در سال ۱۳۸۴ توسط هیأت بررسی و شناسایی سازمان میراث فرهنگی شناسایی شده

<sup>۱</sup>. Varkamari-e Garhaji

است (رک، مرادی، ابراهیم، گزارش فصل سوم بررسی و شناسایی باستان‌شناسی شهرستان آبدانان، بخش مورموری، ۸۱-۸۰).

این محوطه، یک محوطه‌ی گسترده به ابعاد طول شمالی- جنوبی ۴۵۰ متر و عرض شرقی- غربی ۲۵۰ متر است. در قسمت شمال غرب محوطه‌ی ورکمری گرجاجی یک قبرستان وجود دارد که به وسیله‌ی یک آبراهه باریک و کوچک از محوطه مذکور جدا شده است. گرچه هیچ گونه سنگ قبر و نوشته‌ای بر روی قبور این قبرستان وجود ندارد ولی از نحوه‌ی سنگ‌چینی قبور که به طرف قبله است، نشان می‌دهد که قبرستان مذکور یک قبرستان دوره‌ی اسلامی است و شاید متعلق به همین ساکنان محوطه‌ی ورکمری گرجاجی در گذشته بوده است.

شاید این محوطه، با توجه به گستردگی آن یک محوطه‌ی شهری با اهمیت بوده است. در سطح محوطه‌ی آثار قلوه سنگ‌های متراکم مشاهده می‌شود. در بعضی از نقاط تراکم قلوه سنگ‌ها در سطح محوطه بیشتر است که این مسأله نشان می‌دهد در آن نقاط، سازه‌های معماری با اهمیتی وجود داشته است. قسمت‌هایی که از تراکم آثار سنگی بیشتری برخوردار است، معمولاً توسط افراد سودجو مورد کاوش قرار گرفته است. گرچه مصالح استفاده شده در این محوطه قلوه سنگ و گچ می‌باشد با این وجود یک قطعه آجر قرمز رنگ به ضخامت ۶ سانتی‌متر به دست آمد که نشان می‌دهد شاید در بعضی از قسمت‌ها نیز از آجر استفاده گردیده است. به علت ویرانی محوطه از ابعاد و اندازه خانه‌ها و دیوارها و همچنین نوع پوشش بناها اطلاعی به دست نیامد. بررسی سفال‌های جمع‌آوری شده نشان می‌دهد که این محوطه در دوره‌ی ساسانی و اوایل اسلام تا حدود اواخر قرن ششم ه.ق مورد از اهمیت و رونق زیادی برخوردار بوده است (تصویر ۱۳).

بررسی آثار فرهنگی موجود بیانگر آن است که این محوطه در اواخر قرن ششم هجری قمری و همزمان با پایان حکومت سلجوقیان، اهمیت خود را از دست داده و ترک گردیده است.

## ۱۱- محوطه‌ی کل قبرستان<sup>۱</sup>

محوطه‌ی کل قبرستان از لحاظ موقعیت جغرافیایی در عرض "۵۵،۵' ۲۹' ۳۶" و طول "۴۲' ۷۵' ۰۷۷" و ارتفاع ۶۴۲ متر از سطح دریا واقع شده و در فاصله‌ی یک کیلومتری جنوب غربی روستای چشمه شیرین امامزاده شاه احمد از توابع دهستان هلیوه و در حدود ۸۵ جنوب شرق آبدانان قرار گرفته که در سال ۱۳۸۴ توسط هیأت بررسی و شناسایی سازمان میراث فرهنگی شناسایی شده است (رک، همو، همان، ۲۳-۲۱). راه دستیابی به این محوطه از طریق جاده‌ی آسفالتی شهرک مورموری به روستای هلیوه و سپس از راه یک جاده خاکی کوهستانی و بسیار خطرناک به سمت روستای چشمه شیرین در دامنه‌ی ارتفاعات جنوبی کبیرکوه می‌باشد.

این محوطه، از لحاظ ابعاد به طول شرقی- غربی ۳۰۰ متر و عرض شمالی- جنوبی ۲۰۰ متر است. از لحاظ منابع آب یک چشمه کوچک معروف به چشمه «گجره» در فاصله‌ی ۲۰۰ متری شرق قرار گرفته که به نظر می‌رسد آب شرب این محوطه در گذشته از این چشمه تأمین می‌شده است. هم‌چنین یک رودخانه کوچک معروف به آب چشمه شیرین از فاصله حدود ۸۰۰ متری شمال و شمال غرب محوطه‌ی کل قبرستان در جریان است. البته سطح آب این رودخانه نسبت به محوطه کل قبرستان در ارتفاع پایین‌تری قرار دارد.

در سطح این محوطه آثار دیوارها، اتاق‌ها و خانه‌های ویران شده زیادی مشاهده می‌گردد (تصویر ۱۴). تمامی دیوارها و خانه‌ها با استفاده از قلوه سنگ و ملات گچ ساخته شده‌اند که بیشتر آن‌ها به علت ویرانی و گذشت زمان در زیر آوار واقع شده‌اند و تنها قسمت‌هایی از آنها بالاتر از سطح زمین قرار گرفته است. از ابعاد و اندازه خانه‌ها و هم‌چنین تعداد اتاق‌هایی که یک خانه را تشکیل می‌دهند به علت تراکم آوار ساختمانی اطلاع چندانی به دست نیامد. با این وجود ابعاد و اندازه بعضی از اتاق‌ها قابل برداشت و اندازه‌گیری بود. برای نمونه ابعاد یکی از اتاق‌ها اندازه‌گیری گردید که ابعاد آن به طول ۹/۵ متر و عرض ۷/۵ متر بود. گرچه از نوع و پوشش اتاق‌ها و خانه‌ها اطلاعی به دست نیامد ولی ابعاد بزرگ اتاق‌ها و هم‌چنین نوع مصالح استفاده شده در بناها نشان می‌دهد

<sup>۱</sup>. Kal-e Ghabrestan

که پوشش این بناها از نوع طاق و با استفاده از قلوه سنگ و گچ صورت گرفته است. استفاده از این مصالح برای ساخت بنا طبیعی به نظر می‌رسد زیرا این مصالح در محل به وفور یافت می‌شوند.

در بررسی سطحی محوطه، آثاری از ظروف شکسته شیشه‌ای، سرباره‌های آهن و سفال‌های پراکنده زیادی مشاهده گردید. در یک نمونه برداری تعدادی از این آثار فرهنگی جمع‌آوری گردید. وجود سرباره‌های آهن در این محوطه دلیلی بر وجود کوره‌های ذوب فلز آهن در این منطقه دارد و نشان می‌دهد که مردم این منطقه، نیازهای فلزی خود را در همین منطقه تهیه و تولید می‌کرده‌اند.

بررسی سفال‌های جمع‌آوری شده نشان می‌دهد که این محل از دوره‌ی اشکانی تا اواخر دوره‌ی سلجوقی مورد استفاده بوده و ویرانی و ترک این محل همانند دیگر محوطه‌ی اطراف تقریباً همزمان با فروپاشی سلسله‌ی سلجوقیان در پایان قرن ششم و حمله‌ی مغولان و سقوط خلفای عباسی در قرن هفتم هجری بوده است.

### تجزیه و تحلیل

در این بررسی، در مجموع یازده محوطه‌ی شهری و روستایی متعلق به قرون اولیه‌ی اسلامی در شهرستان آبدانان شناسایی گردیده است. البته در شهرستان آبدانان، محوطه‌های زیادی متعلق به قرون اولیه‌ی اسلامی وجود دارد ولی محوطه‌هایی که در این طرح مورد بررسی قرار گرفته‌اند دارای دو ویژگی اصلی می‌باشند؛ یکی از آنها، وسعت محوطه‌های مورد نظر می‌باشد. بنابراین گرچه محوطه‌های زیادی متعلق به اوایل دوره‌ی اسلامی در شهرستان آبدانان وجود دارد ولی محوطه‌هایی که کمتر از دو هکتار وسعت دارند به دلیل وسعت کم در این طرح مورد مطالعه قرار نگرفته‌اند. کمترین وسعت متعلق به محوطه‌های تلور، سراب نقل و کلک گچ زاغ با دست‌کم دو هکتار و بیشترین وسعت متعلق به محوطه گردال دالپری و سنگر سراب باغ با بیست هکتار و شهر پنج برار مورموری با حدود سی و دو هکتار می‌باشد. ویژگی دوم محوطه‌های مورد مطالعه، وجود آثار باقی‌مانده و شاخص می‌باشد. بنابراین محوطه‌هایی که دارای وسعت نسبتاً زیادی می‌باشند ولی به دلایل مختلف مانند ساخت و ساز و پروژه‌های عمرانی و یا

تسطیح اراضی توسط کشاورزان تخریب شده و اهمیت خود را از دست داده‌اند مورد بررسی قرار نگرفته‌اند. محوطه‌های مورد مطالعه دارای مشخصات و ویژگی‌هایی هستند که در ادامه مورد شرح و تفصیل بیشتری قرار می‌گیرند.

بررسی حاضر نشان می‌دهد که ارتفاع محوطه‌های شناسایی شده از سطح دریا، دست‌کم ۲۵۴ متر و حداکثر ارتفاع آنها ۱۱۸۰ متر می‌باشد. از لحاظ مصالح، تمامی محوطه‌های مورد مطالعه از قلوه‌سنگ و گچ ساخته شده‌اند. علت استفاده از این مصالح، شرایط طبیعی محل و وفور قلوه‌سنگ و گچ در منطقه می‌باشد. آثار باقی‌مانده از این محوطه‌ها نشان می‌دهد که تقریباً تمامی بناهای این محوطه‌ها دارای پوشش طاق با استفاده از قلوه‌سنگ و گچ بوده‌اند.

از دیگر مشخصات این محوطه‌ها، نزدیکی به چشمه آب و یا رودخانه‌های محلی با آب شیرین می‌باشد. در مواردی که رودخانه دارای آب شور بوده در نزدیکی محوطه و یا در کنار آن یک چشمه آب شیرین نیز وجود داشته است.

مشخصه‌ی دیگر استفاده از قلعه می‌باشد. بعضی از محوطه‌های شهری مورد مطالعه مانند محوطه‌ی پشت قلعه، جولیان و پنج برار دارای قلعه هستند ولی سایر محوطه‌ها بدون قلعه می‌باشند. تمامی قلعه‌های ساخته شده بر روی بلندی‌های مشرف به محوطه‌ها ساخته شده‌اند. در داخل بعضی از قلعه‌ها مانند پشت قلعه تأسیسات زیادی ایجاد شده است و دیوارهای قلعه دارای برج‌های زیاد و مستحکم می‌باشد. ولی در بعضی از قلعه‌ها مانند قلعه‌ی جولیان و پنج برار تأسیسات خاصی وجود ندارد. هم‌چنین برج‌ها و دیوارهای این دو قلعه نسبت به دیوارها و برج‌های محوطه‌ی پشت قلعه از استحکام کمتری برخوردار است. به گمان می‌رسد که شاید قلعه‌ی محوطه پشت قلعه با توجه به شباهت‌های آن به برج و باروهای تخت سلیمان و بیشاپور در دوره‌ی ساسانیان، متعلق به زمان ساسانیان می‌باشد که در دوره‌ی اسلامی نیز مورد استفاده قرار گرفته و یا این‌که در دوره‌ی اسلامی با الگوبرداری از قلعه‌های دوره‌ی ساسانیان ساخته شده است. ولی قلعه‌های شهر پنج برار و محوطه جولیان با توجه به یافته‌های سطحی به دست آمده که بیشتر متعلق به سفالینه‌های صدر اسلام و دوره‌ی سلجوقی می‌باشد، شاید در دوره‌ی اسلامی و در حدود اوایل قرن پنجم هجری ساخته شده‌اند. زیرا همان‌گونه که در منابع آمده است در اوایل قرن پنجم هجری، ناامنی‌هایی در مرکز و غرب ایران به دلیل

درگیری بین گروه‌های مختلف مانند آل بویه، غزها، کاکویان، غزنویان و رؤسای اکراد محلی ایجاد شده بود که همین درگیری‌ها سبب ایجاد حصار در پیرامون بیشتر شهرها در نقاط مختلف ایران گردیده بود.

بعضی از محوطه‌های مورد بررسی مانند شهر پنج برار، گردال دالپری، سنگر سراب باغ و پشت قلعه آبدانان بیش از بیست هکتار وسعت دارند و آثار باقی‌مانده‌ی آنها نشان می‌دهد که این محوطه‌ها در قرون اولیه‌ی اسلامی از اهمیت و شکوه خاصی برخوردار بوده‌اند. با این وجود در هیچ یک از منابع و متون اسلامی به این محوطه‌ها اشاره نشده، زیرا هیچ یک از جغرافی‌نویسان و تاریخ‌نویسان صدر اسلام از این منطقه دیدن نکرده‌اند و این شاید به دلیل صعب‌العبور بودن و دوری از راه‌های ارتباطی اصلی بوده است. نزدیک‌ترین شهرها و محوطه‌های قرون اولیه‌ی اسلامی که توسط جغرافی‌نویسان و تاریخ‌نویسان صدر اسلام به آنها اشاره شده است شهرهای مهرجانقذق یا سیمره در شمال، شهر سنجار در جنوب و شهر جندی شاپور در جنوب شرق این منطقه می‌باشد. شهر مهرجانقذق یا سیمره که اکنون، دره‌شهر نامیده می‌شود در حدود ۲۰ کیلومتری شمال این منطقه با خط مستقیم هوایی قرار دارد. شهر مهرجانقذق در قرون اولیه‌ی اسلامی شهری باشکوه بوده است و تقریباً تمامی منابع اسلامی از این شهر و شکوه آن یاد کرده‌اند. این شهر با توجه به اطلاعاتی که از متون کهن به دست آمده بر اثر زلزله‌ای در سال ۲۵۸ و یا ۴۴۴ هجری قمری کاملاً ویران گردیده است و بعد از وقوع زلزله، هیچ‌گاه شکوه و آبادانی گذشته را بدست نیاورده است. به گمان می‌رسد، بر اساس مطالعه‌ی آثار باقی‌مانده و همچنین منابع اسلامی، این شهر از قرن چهارم به بعد متروک گردیده و یا به صورت جزئی تا پایان حکومت سلجوقیان به حیات خود ادامه داده است. بعد از این تاریخ، در هیچ‌یک از منابع اسلامی به این شهر اشاره نشده و اگر هم نامی از آن آمده، بر اساس نوشته‌های منابع پیشین بوده است.

شاید اشاره نکردن تاریخ‌نویسان اسلامی به محوطه‌های اسلامی منطقه‌ی آبدانان، با توجه به نزدیکی شهر مهرجانقذق به این شهرستان، به دلیل جغرافیای طبیعی و صعب‌العبور بودن این منطقه بوده است. زیرا در میان منطقه‌ی آبدانان و مهرجانقذق رشته کوه عظیم کبیرکوه با ارتفاع متوسط حدود ۲۵۰۰ متر و طول حدود ۱۷۰

کیلومتر واقع شده که از گذشته‌های بسیار دور تا کنون همچون یک سد و دیوار عظیم مانع ارتباط این دو منطقه با یکدیگر بوده است.<sup>۱</sup>

شهر دیگری که در نزدیکی این منطقه قرار دارد و در منابع اسلامی به آن اشاره شده، شهر سنجار در جنوب منطقه آبدانان است. بر اساس اطلاعات بعضی از منابع امروزی، شهر سنجار در جنوب سلسله‌ی جبال حمزین قرار داشته است. (ص ۱۵ همین پژوهش). اگر اطلاعات این منابع درست باشد، شهر سنجار در کشور عراق و در حدود ۴۰ کیلومتری جنوب شهرستان آبدانان به خط مستقیم واقع شده است. زیرا سلسله جبال حمزین در حد فاصل مرز ایران و عراق قرار دارند. نزدیک‌ترین محوطه در شهرستان آبدانان به شهر سنجار، محوطه‌ی گردال دالپری با حدود بیست هکتار وسعت می‌باشد. اطلاعاتی که منابع تاریخی در مورد شهر سنجار ارائه داده‌اند تقریباً مشابه با آثار موجود از محوطه‌ی گردال دالپری می‌باشد. با توجه به این که اکنون اطلاعات موجود از وجود چنین شهری در جنوب سلسله جبال حمزین و در کشور عراق بسیار اندک می‌باشد بنابراین باید در مورد انتساب این شهر به کشور عراق و یا محوطه‌ی گردال دالپری در آبدانان با احتیاط اظهار نظر کرد.

شهر جندی شاپور نیز از جمله شهرهایی است که در منابع اسلامی به آن اشاره شده و تقریباً در ۱۰۰ کیلومتری جنوب شرق شهرستان آبدانان به خط مستقیم واقع شده است. بر اساس اطلاعات امروزی، شهر جندی شاپور در نزدیکی شهر دزفول فعلی قرار دارد. بنابراین فاصله‌ی بسیار زیاد شهرستان آبدانان با شهر دزفول مانع از آن شده است که تاریخ‌نویسان و جغرافی‌نویسان از این مسیر به منطقه‌ی مذکور مسافرت نمایند. در منطقه‌ی غرب آبدانان نیز کوه‌های بسیار زیادی وجود دارد و هیچ محوطه‌ی اسلامی مشهوری تا فاصله ۳۰۰ کیلومتری غرب این شهرستان وجود ندارد. بنابراین فاصله‌ی بسیار زیاد این منطقه با محوطه‌های اسلامی مجاور و هم‌چنین صعب‌العبور بودن منطقه از دلایل اصلی توجه نکردن تاریخ‌نویسان و جغرافی‌نویسان مسلمان به آن بوده است.

<sup>۱</sup>. رشته کوه کبیرکوه این منطقه را به دو قسمت شمالی و جنوبی و یا پیش کوه و پشت کوه تقسیم نموده



این بررسی نشان می‌دهد که بر اساس یافته‌های موجود، محوطه‌های شهری و روستایی در شهرستان آبدانان تقریباً در دو دوره‌ی زمانی متفاوت یکی در اواسط قرن سوم و چهارم و دیگری در اواخر قرن ششم و یا اوایل قرن هفتم هجری قمری بنا به دلایل نامعلومی، کاملاً متروک شده‌اند. با بررسی منابع تاریخی درمی‌یابیم که در اواسط قرن سوم و چهارم هجری قمری در شهر باستانی مهرجانقدق که در ۲۰ کیلومتری شمال این منطقه قرار دارد زلزله اتفاق افتاده و شهر مذکور کاملاً ویران شده است. گمان می‌رود بعضی از محوطه‌های مورد مطالعه مانند محوطه‌ی گیژه و پشت قلعه نیز در همین زمان و به علت زلزله از بین رفته و یا خسارت دیده‌اند. هم‌چنین پایان قرن ششم هجری هم‌زمان با سقوط سلجوقیان و روی کار آمدن خوارزمشاهیان در ایران و تأسیس اتابکان لر کوچک در لرستان می‌باشد.

از سوی دیگر، حمله‌های ویرانگر و خانمان‌سوز مغولان، سقوط سلسله نوپای خوارزمشاهیان و پایان حکومت پانصد ساله خلافت عباسیان توسط مغولان نیز در اوایل قرن هفتم روی داده است. بنابراین اگر چه استمرار حکومت خلفای عباسی از قرن دوم تا اواسط قرن هفتم و اقتدار حکومت آل بویه، کردهای حسنویه و سلجوقیان در این دوران باعث شکوه، رونق و آبادانی مناطق مرکزی و غربی ایران شده بود ولی از بین رفتن سلسله سلجوقیان و سقوط خلافت عباسی و حمله‌های دوره‌ای و ویرانگر مغولان به شهرها و آبادی‌ها و تمایل مغولان به زندگی بیابان‌گردی و عشایری باعث از بین رفتن شهرها و آبادی‌ها در اواخر قرن ششم و قرن هفتم هجری قمری در ایران و به ویژه در مناطق غربی کشور و منطقه‌ی مورد مطالعه شده است.

هم‌چنین در بررسی‌هایی که توسط نگارنده در سایر شهرستان‌های استان ایلام مانند شهرستان شیروان و چرداول، شهرستان ایوان و شهرستان دره‌شهر انجام گرفته، پدیده مشابهی مشاهده شده است. در بررسی‌هایی که توسط دیگر باستان‌شناسان در استان‌های هم‌جوار مانند خوزستان، لرستان و کرمانشاه صورت گرفته نیز مشخص شده است که محوطه‌های شهری و روستایی دوره‌ی اسلامی در این مناطق، قریباً در اواخر قرن ششم هجری قمری اهمیت خود را از دست داده و ویران گردیده‌اند.

بررسی‌های میدانی صورت گرفته نشان می‌دهد که مردم منطقه‌ی آبدانان از اواسط قرن هفتم هجری تا دوره‌ی معاصر به زندگی عشایری و کوچ‌نشینی روی آورده و



منطقه‌ی مورد مطالعه، هیچ گاه شکوه و آبادانی پیش از قرن هفتم را به دست نیاورده است.

### نتیجه‌گیری

این تحقیق نتیجه‌ی دو سال کار میدانی می‌باشد که در مجموع یازده محوطه مورد بررسی و شناسایی باستان‌شناسی قرار گرفته است. با وجود این که این محوطه‌ها از وسعت قابل توجهی برخوردار هستند ولی در هیچ یک از منابع و متون اسلامی به آنها اشاره نشده که گمان می‌رود به خاطر صعب‌العبور بودن منطقه و دوری از راه‌های ارتباطی اصلی بوده است.

بعضی از محققان به علت تشابه آثار دوره‌ی ساسانی مانند سفال، مصالح به کار رفته در بناها و پوشش طاق و گنبد با آثار اوایل دوره‌ی اسلامی این محوطه‌ها را تنها به دوره‌ی ساسانی نسبت داده‌اند. این در صورتی است که هر چند بیشتر این محوطه‌ها در دوره‌ی ساسانی شکل گرفته‌اند ولی در دوره‌ی اسلامی و تا پایان قرن ششم هجری قمری به حیات خود ادامه داده و از رونق و آبادانی برخوردار بوده‌اند.

گمان می‌رود که بعضی از این محوطه‌ها به علت زلزله‌ای که بنا بر منابع اسلامی در قرن سوم و یا چهارم هجری روی داده از بین رفته و یا دچار خسارت شده‌است. البته بررسی آثار به دست آمده از این محوطه‌ها نشان می‌دهد که بیشتر آنها در پایان قرن ششم و اوایل قرن هفتم به عللی که شاید مرتبط با ناآرامی‌های ایران در این دوران و هجوم مغولان بوده است برای همیشه ویران و ترک شده‌اند.

در پایان لازم به ذکر است که گرچه بررسی‌های باستان‌شناسی تا حدودی از ابهامات موجود در ارتباط با زمان شکل‌گیری، آبادانی و ویرانی محوطه‌های مورد مطالعه می‌کاهد ولی برطرف شدن این ابهامات نیازمند حفاری‌های علمی باستان‌شناسی و مطالعات جامع‌تر می‌باشد.

## فهرست منابع و مآخذ:

---

- ۱- احمدی، علی اکبر، گزارش فصل چهارم بررسی و شناسایی باستان‌شناسی شهرستان آبدانان، آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان ایلام، ۱۳۸۷.
- ۲- امیرسز، ن.ن. و چ.پ. ملویل، تاریخ زمین‌لرزه‌های ایران، ترجمه‌ی ابوالحسن رده، انتشارات آگاه، ۱۳۷۰، چاپ اول.
- ۳- بویل، جی.آ، تاریخ ایران کیمبریج، از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلخانان، ترجمه‌ی حسن انوشه، جلد پنجم، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۱، تهران.
- ۴- قرچانلو، حسین، جغرافیای تاریخی کشورهای اسلامی (۱)، انتشارات سمت، ۱۳۸۰، تهران.
- ۵- مترجم، عباس و یعقوب محمدی‌فر، گزارش فصل اول بررسی و شناسایی باستان‌شناسی شهرستان آبدانان، آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان ایلام، ۱۳۷۹.
- ۶- محمدی فر، یعقوب، گزارش فصل دوم بررسی و شناسایی باستان‌شناسی شهرستان آبدانان، آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان ایلام، ۱۳۸۰.
- ۷- مرادی، ابراهیم، گزارش فصل سوم بررسی و شناسایی باستان‌شناسی شهرستان آبدانان (بخش مورموری)، آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان ایلام، ۱۳۸۴.



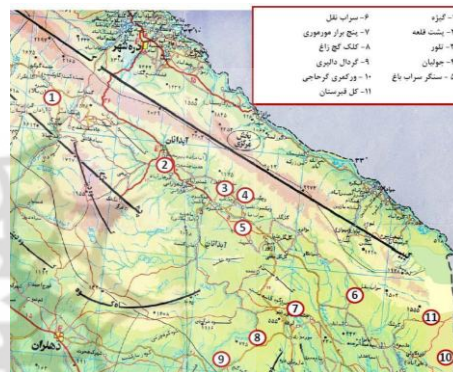
تصویر ۲: موقعیت شهرستان آبدانان در استان ایلام



تصویر ۱: نقشه‌ی موقعیت استان ایلام در کشور ایران



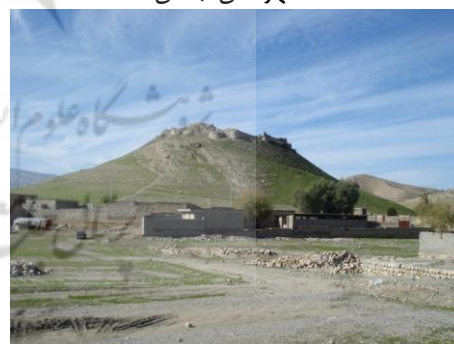
تصویر ۴: محوطه‌ی گیژه، بخشی از آثار موجود



تصویر ۳: موقعیت محوطه‌های شناسایی شده بر روی نقشه شهرستان آبدانان



تصویر ۶: محوطه‌ی تلور، بخشی از بناهای موجود



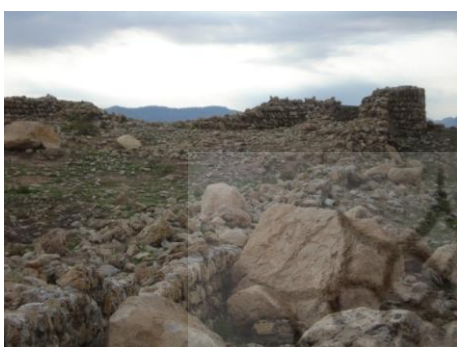
تصویر ۵: دورنمای محوطه‌ی پشت قلعه، دید از شرق



تصویر ۸: سنگر سراب باغ، بنای کل کل، کاروانسرا



تصویر ۷: محوطه‌ی جولیان، بخشی از بناهای موجود



تصویر ۱۰: محوطه‌ی پنج برار، دیوارهای قلعه



تصویر ۹: محوطه‌ی سراب نقل، بخشی از بناهای موجود



تصویر ۱۲: محوطه‌ی گردال دالپری، بخشی از بناهای موجود



تصویر ۱۱: محوطه‌ی کلک گچ زاغ، بخشی از بناهای موجود





تصویر ۱۴: محوطه‌ی کل قبرستان، دید از شمال



تصویر ۱۳: نمونه سفال‌های محوطه ورکمری گرجاجی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی